شب عید میلاد
در خانه‌ی کوپی‌یللو

ادواردو دِ فیلیپو

مترجم
رضا قنبری

دبیر مجموعه
نغمه ثمینی

مدیر اجرایی
مریم دادخواه

www.ketab.ir

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Natale in Casa Cupiello

Eduardo de Filippo

سرشناسه: د فیلیپو، ادواردو، ۱۹۰۰ ـ ۱۹۸۴ م de Filippo, Eduardo

عنوان و نام پدیدآور: شب عید میلاد در خانه‌ی کوپی‌یللو/ اثر ادواردو دِ فیلیپو؛ ترجمه رضا قیصریه

مشخصات ناشر: تهران: نشر قطره، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱۱۴ ص

فروست: سلسله انتشارات ۱۸۰ تئاتر و ادبیات نمایشی ـ ۳۸۶؛ جامانده‌ها ـ ۲۱

شابک: ۹۷۸ـ۶۰۰ـ۱۱۹ـ۹۱۴ـ۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Natale in Casa Cupiello, 1978

موضوع: نمایش‌نامه‌ی ایتالیایی ـ قرن ۲۰ م

موضوع: Italian drama-20 th century

شناسه‌ی افزوده: قیصریه، رضا، ۱۳۱۹ ـ ، مترجم

رده‌بندی دیویی: ۸۵۲/۹۱۴

رده‌بندی کنگره: PQ ۴۸۲۷ / ش ۲ ۱۳۹۵

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۴۲۴۴۸۰

شابک: ۹۷۸ـ۶۰۰ـ۱۱۹ـ۹۱۴ـ۱ ISBN: 978-600-119-914-1

www.ketab.ir

نشر قطره

شب عید میلاد در خانه‌ی کوپی‌یللو

ادواردو دِ فیلیپو

مترجم: رضا قیصریه

با پسین گفتاری از رضا قیصریه

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵

چاپ دیجیتال نقش

تیراژ ۴۰۰ نسخه

بها: ۸۵۰۰ تومان

استفاده از این اثر، به هر شکلی

بدون اجازه ممنوع است

خیابان دکتر فاطمی، خیابان شیخلر (ششم)، کوچه‌ی بنفشه پلاک ۸

تلفن: ۳-۵۱ ۳۳ ۹۷ ۸۸

دورنگار: ۸۸ ۹۶ ۸۹ ۹۶

کد پستی: ۱۴۱۵۶۷۳۳۱۳

---

www.nashreghatreh.com

info@nashreghatreh.com

nashr.ghatreh@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

www.ketab.ir

www.ketab.ir

فهرست

مقدمه‌ی دبیرمجموعه ۷
مقدمه ۹
یادآوری و تشکر مترجم ۱۵
پرده‌ی اول ۱۷
پرده‌ی دوم ۵۵
پرده‌ی سوم ۸۹
درباره‌ی ادواردو ۱۰۷

مقدمه‌ی دبیر مجموعه

اگر ترجمه‌های موجود در کتاب‌خانه‌ها، تنها راهِ مواجهه‌ی ما با نمایش‌نامه‌هایِ خارجی باشد، در این صورت درک و دریافت‌مان از تاریخِ ادبیاتِ نمایشی ناکامل و مجازی خواهد بود که این تاریخ چیست مگر سیر متونی نمایشی که هریک به دوره‌ای تعلق دارد و به جغرافیایی.

در ایران بسیارند نمایش‌نامه‌هایی که ترجمه شده‌اند، در حالی که نه مهم بوده‌اند و نه در میانِ آثارِ نویسنده‌شان جایگاهی داشته‌اند.

... بسیارند نمایش‌نامه‌هایی که چنان در سیر ترجمه تحریف شده‌اند و تغییرِ شکل یافته‌اند که استناد به آن‌ها تنها ما را به تاریخی جعلی از ادبیات نمایشی می‌رساند...

... بسیارند نمایش‌نامه‌های جریان‌ساز که از سیر ترجمه‌هایِ متون جامانده‌اند...

مجموعه‌ی جامانده‌ها همین گروه سوم را هدف گرفته است. آثاری که به هر دلیلی، از جمله دشواری متن، فقدانِ مترجم برای برخی زبان‌ها و... ، ترجمه نشده‌اند و عدمِ ترجمه‌شان بیش از همه دانشجویانِ تئاتر را با معضلی جدی روبه‌رو کرده است. جست‌وجو، انتخاب و ترجمه‌ی این آثار البته آسان نیست، چرا که:

www.ketab.ir

متونِ دشوار، هنوز دشوارند و کم‌تر مترجمی وسوسه‌ی دست به گریبان شدن با آن‌ها را دارد ...

... مترجمان کارکشته در میانِ همه‌ی زبان‌ها یکسان پخش نشده‌اند و هنوز برای برخی از زبان‌ها سخت می‌توان مترجم حرفه‌ایِ مشتاق یافت...

با این همه، اراده‌ی جامانده‌ها فرارفتن و گذرَ از این موانع است و در این مسیر از تمام نمایش‌نامه‌نویسانِ مترجم، و مترجمانِ علاقه‌مند به ادبیاتِ نمایشی دعوت می‌کند که به این مجموعه بپیوندند. اما شرطِ ورود به بازیِ جامانده‌ها ساده است، پیش‌تر آن‌که نمایش‌نامه باید به تاریخ تناتر تعلق داشته باشد و سال هزار و نهصد و پنجاه مرزِ تاریخ نگارشِ آثاریَ قرار گرفته که [illegible] تمایل در این مجموعه جای بگیرند؛ و دیگر آن‌که بتوان اهمیتِ نمایش‌نامه را در تاریخ ادبیاتِ نمایشیِ جهان توجیه کرد؛ این اهمیت، الزاماً جریان‌سازی نیست و می‌تواند دلایل بی‌شمار دیگری را هم در برگیرد. مقاله‌ی تفصیلیِ پایانِ هر نمایش‌نامه [illegible] توضیحِ اهمیت هر اثر خواهد بود.

به بازیِ جامانده‌ها خوش آمدید.

www.ketab.ir

مقدمه

جنبش رستاخیز ملی ایتالیا[1] که به یگانگی این سرزمین انجامید (۱۸۶۱)، چون معجزه‌ای بود که به بیش از هزار پاره سده جدایی و از هم گسستگی آن بعد از سقوط امپراتوری رم غربی (۴۷۶م) پایان داد. در طی این دوران گسست، با وجود منازعات سیاسی ـ نظامی داخلی که به پراکندگی دامن می‌زد، تنها یک عامل بود که باطناً پیوند ملی را حفظ می‌کرد: فرهنگ و هنر، که توانست حتی برتری این سرزمین را نسبت به دیگر سرزمین‌های اروپایی حفظ کند و نمونه‌ی بارز آن روند رنسانس بود که از ایتالیا سرچشمه گرفت و تفکرات سده‌های میانه را به بحران کشاند و از طریق اومانیسم، خردگرایی[2] را جایگزین اندیشه‌های تعبدی[3] کرد که تقریباً دو سده پیش‌تر از آن، دانته آلیگیری (۱۲۶۵ـ۱۳۲۱) با «کمدی الهی» خود آغازگرش بود. دانته نشان داد که بازیابی ملیت و هویت ملی در سرزمینی گسسته از هم تنها با ادبیات و هنر میسر است. آفرینش ادبیات ملی را دیگر سرزمین‌های اروپایی دنبال کردند که در تراژدی‌نویسی بازتاب یافت، (شکسپیر (۱۵۶۴ـ۱۶۱۶) در انگلستان، راسین (۱۶۳۹ـ ۱۶۹۹) در فرانسه). گرچه ایتالیای بعد از رنسانس تا حد زیادی، به‌ویژه در گستره‌ی ادبیات، به حاشیه رانده شد، اما از

---

1. il Risorgimento
2. Razionalismo
3. Fidesimo

www.ketab.ir

نظر نمایش و ادبیات نمایشی هیچ‌گاه دچار سترونی نشد. دو جریان مهم نمایشی که هر کدام به نوبه‌ی خود در سده‌های میانه ریشه داشتند، مجال بروز یافتند: نمایش‌های مذهبی یا نمایش‌های مقدس[1] و دیگری «کمدیا دل‌آرته»[2] بر اساس بداهه‌سرایی[3] که با کارلو گولدونی (۱۷۰۷ ـ ۱۷۹۳) این‌گونه از کمدی در عصر روشنگری (سده‌ی هجدهم) به اوج خود رسید.

اصولاً کمدی و کمدی‌نویسی ـ از همان رم باستان ـ پیشینه‌ی پررنگ‌تری در ایتالیا دارد تا تراژدی. در سده‌های میانه هم گروه‌های دوره‌گرد تئاتری، تروبادورها[4]، بیش‌تر در قالب طنز و کمدی بازیگری می‌کردند و این گه‌گاه به قسمت جا[illegible]نان تمام می‌شد، به دلیل زبان تند و تیزشان. خیلی از متون آن دوران که [illegible] گویشی یا محلی است پس‌زمینه‌ی کمدی دارد.

بسیاری از این م[illegible] توسط داریو فو[5] بازنویسی شد و با اجرای خود او در دهه‌های شصت و هفتاد [illegible]صحه گرفت. کمدی همیشه یکی از عناصر اصلی و ثابت تئاتر ایتالیا بوده است، [illegible] نیکولو ماکیاولی (۱۴۶۹ـ ۱۵۲۷) هم کمدی‌های درخور توجهی دارد، از جمله «بلفاگور شیطان اعظم»[6].

تناقض تاریخی این‌که، [illegible]یگانگی ایتالیا (۱۸۶۱) تولد ملتی بود کهن‌سال و تاریخ‌ساز که اغلب سرزمین‌های دنی[illegible]ستان را در اختیار داشت، حال در سده‌ی نوزدهم نسبت به دیگران در غ[illegible]روپا عقب مانده بود و در کنار مشکلات اجتماعی و اقتصادی بی‌شمار که [illegible] شد به مهاجرت تقریباً پنجاه‌وپنج میلیون نفر از سرزمین خود، فاقد هو[illegible]لی هم بود. استان‌گرایی[7] جایگزین آن بود و این میراث سده‌ها گسست ملی [illegible]. اما از طرف دیگر

---

1. La Rappresentazione Sacra
2. Commedia Dell'Arté
3. Improvvisazione
4. Troubadours
5. Dario Fo
6. Belfagor Arcidiavolo
7. Regionalismo

www.ketab.ir

همین گسست بانی گونه‌گونی‌های فرهنگی به‌ویژه در زمینه‌ی رشد زبان‌ها و گویش‌ها شد که تأثیر مستقیمی بر پیدایی تئاترهای استانی و منطقه‌ای داشت: تئاترهایی مانند ناپلی، ونیزی، رمی، سیسیلی.

اواخر سده‌ی نوزدهم، به‌عنوان یک آلترناتیو فرهنگی در این نابسامانی‌ها، «وریسم»[1] یا ناتورالیسم مطرح می‌شود، ابتدا در تئاتر و بعد در ادبیات روایی. ایده‌آلیسم و رمانتیسم شبه‌کلاسیک دیگر راهگشا نیست، ناتورالیسم فرانسوی الگو می‌شود که در ایتالیا «وریسم» یا حقیقت‌گرایی نام می‌گیرد. تئاتر وریستی بیش‌تر به بحران‌های خانوادگی و پاشیدگی آن‌ها می‌پردازد. اوج تئاتر وریستی آثار لوییجی پیراندللو (۱۸۶۷ ـ ۱۹۳۶) است که با مفاهیم انحطاط زمان خود، یعنی بحران شخصیت، از هم پاشیدگی، ناتوانی در ارتباط با دیگران، تحقیر تاریخ و بازیابی خاطره‌ها آغشته می‌شود، نمونه‌های بارز آن: «شش شخصیت در جست‌وجوی نویسنده» و «هنری چهارم». شاید بیش‌ترین تأثیر را از «وریسم» تئاتر ناپل می‌گیرد که خود یکی از وارثان بزرگ «کمدیا دل‌آرته» است.

تئاتر ناپلی

یکی از قدیمی‌ترین و مشهورترین سنت‌های هنری شهر ناپل است و نقش بنیادی در تئاتر ایتالیا دارد. ریشه‌های اولیه‌ی آن به سده‌ی پانزدهم و اوایل سده‌ی شانزدهم می‌رسد، هنگام سلطه‌ی اسپانیایی‌ها و دربار آراگون. اوا... نمایش‌ها در ستایش تسخیر شهر گرانادا به دست سرداران اسپانیایی بود. بعدها آوازخوانان و بازیگران نمایش‌ها را از حصارهای کاخ سلطنتی به بیرون آوردند و به میان مردم بردند و البته با زبان‌های گویشی و محلی در اجرا.

در سده‌های هجدهم و نوزدهم، تئاتر ناپلی عمدتاً تحت نفوذ «کمدیا دل‌آرته» و شخصیت مرکزی آن پولچینلا[2] بود، که با صورتک سیاه در

---

1. Verismo
2. Pulcinella

www.ketab.ir

صحنه ظاهر می‌شود. این شخصیت را بازیگری به نام سیلویو فیوریللو[1] در پایان سده‌ی شانزدهم می‌آفریند. پولچینلا شخصیتی است بیانگر جهان‌بینی ناپلی، آدمی است از فرودست اجتماع که با ناقلایی و زرنگی خود را با هرگونه وضعیتی وفق می‌دهد و در نهایت برنده‌ی اصلی است. این شخصیت بار دیگر در اوایل سده‌ی نوزدهم بازسازی می‌شود. پولچینلا از یک نوکر زبر و زرنگ تبدیل می‌شود به یک شهروند کلک، فرصت‌طلب و مسخره. بدین‌گونه قالب نهایی خود را می‌گیرد و به مرور زمان مدرنیزه می‌شود.

صحنه‌سازی ناپلی[2]

این نوع تئاتر در اوایل سده‌ی بیستم در ناپل شکل می‌گیرد، گونه‌ای تئاتر موزیکال و مردم‌پسند است. نمایشی است نه‌چندان پرخرج و حتی ارزان، که بعد از شکست ایتالیا در کاپورتو[3] واقع در شمال ایتالیا و هنگام جنگ جهانی اول زاده شد و بعد از آن یک دست، خسته از مفاهیم دوپهلوی تئاترها به اعمال سانسور دست زد و مالیات‌های سنگینی را برای نمایش‌های واریته وضع کرد. در ابتدا «صحنه‌سازی» ترانه‌ای بود که حالت نمایش‌نامه‌ای به خود می‌گرفت و اجرا می‌شد. از آن‌جا که این ترانه‌ها بسیار بلند بودند، موفقیت بزرگی نصیب «صحنه‌سازی ناپلی» می‌شد. با مرور زمان «صحنه‌سازی» جای نمایش‌های واریته را گرفت و موضوع‌هایی چون عشق، خیانت، فداکاری، شرافت، مادر در احتضار، رفاقت، محبت مادر ـ فرزندی، جوان‌های بی‌قید و بند، دفاع ناموسی، وابستگی به گروه‌های تبهکار، مبارزه بین نیک و بدی و غیره به آن افزوده شد. یک ملودرام همراه با آواز و موسیقی که تماشاگر را به هیجان می‌آورد و باعث می‌شد که عملاً در نمایش مشارکت داشته باشد و در بسیاری موارد از جایگاه تماشاگران به شخصیت‌های مثبت یا منفی روی صحنه جواب داده

---

1. Silvio Fiorillo
2. Sceneggiata Napoletana
3. Caporetto

www.ketab.ir

می‌شد. این‌گونه نمایش‌ها هنوز هم در ناپل مشتریان خودش را دارد.

تئاتر ادواردو[1]

«وقتی روی صحنه برای تمرین هستم، یا وقتی روی صحنه بازی می‌کردم... همه‌اش ازخودگذشتگی بود، رنج کشیدم. کار تئاتر این‌جوری است و من هم همان‌جور کار کردم.»

ادواردو دِ فیلیپو[2]

ادواردو دِ فیلیپو که نام کوچکش «ادواردو» شهرت دارد (۱۹۰۰ــ ۱۹۸۴)، بازیگر تئاتر، سینما، کمدی، پس، کارگردان تئاتر، سینماگر و شاعر، یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های فرهنگی ایتالیای سده‌ی بیستم است.

تئاتر ادواردو یک‌راست به درون خانواده‌های ناپلی و روابط آن‌ها می‌رود و با تکیه بر «وریسم» با شخصیت‌ها رویه‌رو می‌شود او در سطح حرکت می‌کند، اما شگرف آن‌که عمق آدم‌ها و روابط‌شان برملا می‌شود، بی‌آن‌که چون پیراندللو بر جنبه‌های روان‌کاوانه، تأکید شود. دیالوگ‌های در واقع ماکوس شاید همان حکم روان‌کاوی شخصیت‌ها را داشته باشند. موقعیت‌ها در عین کمیک بودن، تراژیک هستند و بالعکس. ادواردو آگاهانه از گراییدن به ملودرام مردم‌پسند و محبوب ناپلی‌ها پرهیز می‌کند تا با ناتورالیسم واقعیت در تضاد نیفتد، اما از کمدیا دِلارته به بهترین وجه استفاده می‌کند. نمونه‌ی آن در پرده‌ی سوم نمایش‌نامه‌ی «شب عید میلاد در خانه‌ی کوپی یللو» است، هنگام دست به دست گشتن فنجان‌های قهوه، که در ضمن یکی از بهترین و مشهورترین کارهای او به‌شمار می‌آید.

رضا قیصریه

---

1. Teatro Di Eduardo
2. Eduardo De Filippo

www.ketab.ir